

رویه قضایی دیوان کیفری بین‌المللی در گزینش پرونده‌های ارجاعی

سهیلا کوشا^{۱*}، اسماعیل طهمورثی^۲، فاطمه سوهانیان^۳

چکیده

دیوان کیفری بین‌المللی (از این به بعد دیوان) برای رسیدگی به پرونده‌های ارجاعی معیارهای گزینشی اولیه و ثانویه اعمال می‌کند. ابتدا طبق اساسنامه خود معیارهای مرتبط با احراز صلاحیت و قابلیت پذیرش و استماع دعوا، منافع ناشی از تحقق عدالت را بررسی می‌کند. هدف این مقاله بررسی رویه دیوان در احراز معیارهای گزینشی اولیه و ثانویه فوق است. در این مقاله با بهره‌مندی از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی درصدد پاسخگویی به این پرسش هستیم که نقش دیوان برای پیشگیری و مقابله با جنایات ارتكابی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و داخلی و تحقق عدالت‌محوری چیست؟ معیارهای ثانویه‌ای که در هر پرونده پس از احراز موارد مذکور در حیطه اختیارات دادستان قرار می‌گیرد، ناشی از تفسیر اساسنامه دیوان است. دیوان صلاحیت رسیدگی به پرونده‌های زیادی را دارد، اما با توجه به محدودیت‌هایی نظیر «بودجه، همکاری دولت‌ها در جمع‌آوری ادله و وضعیت قربانیان» اقدام به گزینش نهایی پرونده‌های ارجاعی می‌کند.

کلیدواژگان

حقوق بین‌الملل، دیوان کیفری بین‌المللی، شورای امنیت، صلاحیت، قابلیت پذیرش و استماع دعوا.

۱. استادیار، دانشگاه پیام نور تهران جنوب، تهران، ایران (نویسنده مسئول). Email: koshas2013@gmail.com
۲. دانشجوی دکتری و مربی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. Email: e.tahmuresi@gmail.com
۳. استادیار، دانشگاه پیام نور تهران جنوب، تهران، ایران. Email: sohanian.f@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۱۹

مقدمه

جرم، نقض‌کننده حقوق طبیعی است و یک تعهد جهانی در ضمیر بشر، مبنی بر کیفر دادن مجرم به سبب ارتکاب جرم وجود دارد. دولتی که متهم را در کشور خویش دستگیر می‌کند، یا باید متهم را محاکمه و برای اجرای عدالت به کیفر برساند یا اینکه او را به محل جرم مسترد کند (حسینی‌نژاد، ۱۳۷۳: ۱۵۹). تسکین احساسات جمعی، رفع تشویش حاصل از ارتکاب جرم و زایل کردن حالت خطرناک در افراد مستعد بزهکاری از اهداف مهم مجازات است (محسنی، ۱۳۹۲: ۳۸۶). در حقوق بین‌الملل اصل حاکمیت دولت‌ها تابع ضرورت‌های ناشی از حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مذکور در ماده ۲ منشور و اقتضای دادرسی‌های بین‌المللی برای تحقق عدالت است. با توجه به مفاد بند ۱ ماده ۱ منشور می‌توان گفت که این ضرورت در جامعه بین‌المللی ناشی از تعامل بین سیاست و حقوق بین‌المللی یا رابطه بین صلح و عدالت بین‌المللی است. از همین رو طبق ماده ۱۳ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (از این به بعد دیوان) علاوه بر دولت‌های عضو دیوان (بند «الف»)، شورای امنیت سازمان ملل (از این به بعد شورای امنیت) هم اجازه یافت تا طبق بند «ب» بتواند وضعیت‌هایی را طبق فصل هفتم منشور سازمان ملل (از این به بعد منشور) به دادستان دیوان ارجاع دهد که به واسطه جرائم ارتكابی تحت صلاحیت دیوان، صلح و امنیت بین‌المللی به مخاطره افتاده باشد. چون طبق ماده ۲۴ منشور، مسئولیت اصلی حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی به عهده شورای امنیت است (کوشا، ۱۳۹۳: ۴۴). در این زمینه شورای امنیت طبق ماده ۳۹ منشور مبادرت به احراز هر گونه تهدید یا نقض صلح یا عمل تجاوز می‌کند و توصیه‌هایی خواهد کرد یا تصمیم می‌گیرد تا برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اقدامات مقتضی را براساس مواد ۴۱ و ۴۲ منشور اتخاذ کند (Rosenne, 1991: 23-25). با توجه به اینکه دیوان مرجع قضایی مستقلی است، در این خصوص می‌تواند (الزامی ندارد و حق‌گزینش به دادستان اعطا شده است) صلاحیت خود را نسبت به جنایات مذکور در ماده ۵ اساسنامه دیوان (جنایت علیه بشریت، نسل‌زدایی (ژنوسید)، جنایت جنگی و جنایت تجاوز) اعمال کند (شریعت باقری، ۱۳۸۶: ۲۳). دیوان وظیفه قضایی خود را بدون دخالت بعدی شورای امنیت انجام می‌دهد و دیوان فراتر از حوزه صلاحیت ذاتی خود اقدام نمی‌کند (Condorelli, 2002: 628). از طرفی دادستان طبق ماده ۵۳ اساسنامه مستقلاً بررسی می‌کند که با توجه به اقتضای عدالت مبنای کافی برای رسیدگی به وضعیت ارجاعی وجود دارد یا خیر. دفتر دادستان (OTP) نقش ویژه‌ای در رسیدگی‌های دیوان دارد. این نهاد در ابتدا از میان پرونده‌ها و وضعیت‌های ارجاعی بسیار زیاد تحت صلاحیت دیوان، اقدام به گزینش می‌کند که معیار حقوقی آن در اساسنامه و مقررات مرتبط آمده است (BÅDAGÅRD, 2017: 639). شایان ذکر است اصل صلاحیت جهانی و صلاحیت تکمیلی

دیوان به منظور تحقق عدالت و جلوگیری از بی‌کیفر ماندن مجرمانی پیش‌بینی شده است که جرائم ارتكابی آنها همه جامعه بشری را متأثر ساخته است. هدف این است که این بزهکاران در هیچ نقطه جهان مکان امنی برای مصون ماندن از تعقیب و مجازات نیابند (Akhavan, 2001:7-8). در این زمینه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی گامی جلوتر از اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری برداشته و صرف پذیرش اساسنامه را برای احراز صلاحیت کافی دانسته است (بند ۱ ماده ۱۲ اساسنامه). چنین صلاحیت خودکاری بیانگر پیشرفت مهمی در حقوق بین‌الملل است. از طرفی برای تحقق عدالت ماده ۱۳ اساسنامه آن مقرر می‌دارد که علاوه بر دولت‌های عضو اساسنامه (بند «الف»)، شورای امنیت (بند «ب») و دادستان دیوان (بند «ج») نیز می‌توانند پرونده‌ای خاص را برای رسیدگی به جرائم مذکور در ماده ۵ اساسنامه، نزد دیوان به جریان بیندازند. البته دیوان صلاحیت رسیدگی به جرائمی دارد که در قلمرو دولت‌های عضو اساسنامه یا توسط اتباع آنها (پس از تاریخ التزام آنها به اساسنامه این محکمه) در هر کجا رخ داده باشد. دولت‌های غیرعضو هم می‌توانند به صورت موردی و خاص صلاحیت دیوان را با صدور اعلامیه بپذیرند. نکته مهم در ایفای صلاحیت دیوان و تحقق عدالت محوری همکاری دولت‌های محل وقوع جرم و دولت متبوع مجرم و مجنی‌علیه برای جمع‌آوری ادله است. البته در موارد عدم همکاری، مجمع دولت‌های عضو دیوان یا شورای امنیت می‌توانند مسئله را بررسی کنند. بی‌شک صلح بدون عدالت محقق نمی‌شود و عدالت نمی‌تواند بدون قانون اجرا شود (Sands, 2001: 553-555).

هدف این پژوهش بررسی رویه قضایی دیوان به‌ویژه تفسیر، اسناد و عملکرد دفتر دادستانی در احراز و اعمال صلاحیت خودش و صلاحیت شورای امنیت در گزینش پرونده‌های ارجاعی و تحقق عدالت محوری است. دیوان به‌عنوان حلقه مفقوده نظام حقوقی بین‌المللی با نحوه عملکرد خودش می‌تواند سهم زیادی در جلب اعتماد دولت‌ها داشته باشد. چون با اجرای عدالت و اصل انصاف هنگام رسیدگی به پرونده‌های مطروحه تعداد دولت‌های عضو اساسنامه افزایش خواهد یافت. از طرفی پیامی بازدارنده برای مرتکبان بالقوه جرائم بین‌المللی خواهد داشت تا اینکه دولت‌ها خودشان مبادرت به پیگیری و مجازات جرائمی کنند که در قلمرو آنها یا توسط اتباعشان ارتکاب یافته است. به عبارتی اساسنامه دیوان حاکمیت دولت‌ها را محدودتر و روابط بین‌المللی را حقوقی‌تر کرده است.

دیوان در ارزیابی و گزینش پرونده‌های ارجاعی، ابتدا مبانی و قواعد کلی خود از جمله بی‌طرفی، استقلال، واقع‌گرایی و معیارهای قانونی و سپس معیارهای اولیه و ثانویه خود را مورد توجه قرار می‌دهد. معیارهای اولیه دیوان برای گزینش پرونده‌های ارجاعی عبارت‌اند از: «احراز صلاحیت، قابلیت پذیرش و استماع دعوی، منافع جامعه بین‌المللی و تحقق عدالت». معیارهای ثانویه عبارت‌اند از: «شدت جرم ارتكابی، میزان مسئولیت متهمان و اتهامات وارده»؛ در این

خصوص به ارزیابی مواردی همچون «میزان، ماهیت و شیوه ارتکاب و تأثیر جرم ارتكابی (ICC, 2009: 29)»، تعداد قربانیان، وسعت خسارت و صدمات جسمی و روانی وارده به قربانیان و خانواده آنها، گستره زمانی و مکانی جرم ارتكابی، شدت جرم ارتكابی، نوع جرم نظیر «قتل، زنا، به عنف، جرائم علیه کودکان و تحمیل شرایط سخت با هدف نابودی یک گروه خاص، شیوه و ابزار ارتكاب جرم، سازمان یافته بودن آن، سوءاستفاده از قدرت، وسعت خسارات زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی جرم ارتكابی از نظر بهره برداری و تصرف غیرقانونی منابع طبیعی (ICC, 2016: 38-41) و حمله به اماکن فرهنگی و تاریخی» (ICC, 2016: 46) می پردازد. در این مقاله ابتدا مبنای صلاحیت گزینشی دیوان را مورد مذاقه قرار خواهیم داد، سپس رویه قضایی دیوان در گزینش اولیه و ثانویه پرونده های ارجاعی بررسی می شود.

مبنای صلاحیت گزینشی دیوان

دفتر دادستانی طبق شق «ب» بند ۱ ماده ۵۳ اساسنامه، ابتدا قابلیت استماع دعوی براساس ماده ۱۷ اساسنامه را بررسی می کند. در این خصوص مبادرت به بررسی ویژگی های فردی و رفتاری متهم می کند (ICC, 2012: 58). به عبارتی پرونده هایی گزینش خواهند شد که علی الظاهر بتواند درباره آنها تحقیقات موفقیت آمیز و مؤثرتری را به طور معقول و متعارف انجام دهد و ادله کافی جمع آوری کند (ICC, 2016: 51). سایر معیارهایی که در گزینش پرونده های ارجاعی مدنظر قرار می گیرند عبارتند از: الف) کیفیت و کمیت مدارک و ادله موجود برای احراز مجرمیت یا تبرئه متهمان با دسترسی به مدارک اضافی یا خطرهای ناشی از تخریب آنها؛ ب) همکاری بین المللی شورای امنیت و معاضدت قضایی دولت های محل وقوع جرم یا متبوع مجرم و مجنی علیه؛ ج) ظرفیت دفتر دادستانی دیوان برای انجام مؤثر تحقیقات لازم در یک دوره زمانی متعارف و معقول؛ د) معیارهای اجرایی و استراتژیک. اولویت بندی پرونده ها براساس میزان تقصیر متهمان (متهمان اصلی و فرعی) صورت نمی گیرد (ICC, 2016: 53). به طور کلی گزینش پرونده های ارجاعی طبق اصول «استقلال، بی طرفی، واقعیت های احراز شده هر پرونده و بدون پیش داوری» صورت می گیرد. این موارد در قسمت های بعدی مورد مذاقه قرار خواهد گرفت.

۱. استقلال

دفتر دادستان به طور مستقل اقدام می کند (ماده ۴۲ اساسنامه). به عبارتی اعضای این دفتر بدون هر گونه «تأثیر، تحریک، فشار، تهدید یا دخالت خارجی مستقیم یا غیرمستقیم دولت ها یا سازمان های بین المللی مبادرت به احراز جرائم ارتكابی در حیطه صلاحیتی دیوان و سایر موارد» می کنند. در این زمینه اعضای دفتر دادستانی به ریاست خود دادستان یا معاونان وی گزارش

می‌دهند و راهنمایی لازم را دریافت می‌کنند (ICC, 2013: 21-24). طبق ماده ۱۴ اساسنامه انتساب اتهام به متهمان به عهده دادستان است. این امر با توجه به ادله‌ای صورت می‌گیرد که دادستان با همکاری دولت‌های عضو جمع‌آوری کرده است (شریعت باقری، ۱۳۸۶: ۲۴).

۲. بی‌طرفی

اصل بی‌طرفی طبق بند ۳ ماده ۲۱ و بند ۷ ماده ۴۲ اساسنامه، بیانگر این است که دفتر دادستان روش‌ها و معیارهای یکسان و ثابتی را بدون توجه به نظرهای متهمان و دولت‌های متبوع آن‌ها به کار می‌بندد. از همین رو براساس ظرفیت رسمی دیوان طبق بند ۱ ماده ۲۷ اساسنامه و بدون هر گونه تمایز و تبعیضی با رعایت مبانی مذکور در بند ۳ ماده ۲۱ اساسنامه مبادرت به احراز جرائم ارتكابی و رسیدگی به پرونده‌های مطروحه می‌کند (شریعت باقری، ۱۳۸۶: ۲۵). بی‌طرفی به مفهوم تساوی شرمندگی^۱ در یک وضعیت نیست، بلکه بیانگر اتخاذ روش‌ها و معیارهایی مشابه برای اعضای همه گروه‌هاست تا تعیین کند که آیا جرائم اتهامی با توجه به معیارهای تعیین شده در سند اولویت‌بندی و انتخاب پرونده‌ها، نیازمند تحقیق یا تعقیب است یا خیر (ICC, 2016: 19-20).

۳. واقع‌گرایی

انتخاب روند رسیدگی به یک پرونده براساس مدارک و ادله موجود صورت می‌گیرد. به عبارتی دادستانی صرفاً در صورت وجود توجیه منطقی با توجه به ادله ارائه شده و ارزیابی قابل پذیرش و استماع بودن دعوا می‌تواند شروع به رسیدگی کند (ICC, 2016: 21). این امر در ارتباط با امکان انجام تحقیق موفق و مؤثر است (ICC, 2016: 23).

۴. معیارهای قانونی

پرونده‌های ارجاعی به دیوان با رعایت صلاحیت تکمیلی دیوان و میزان شدت جرم ارتكابی قابل استماع هستند تا به‌عنوان یک موضوع سیاسی در تعارض با منافع جامعه بین‌المللی و عدالت‌محوری نباشند (ICC, 2016: 19-20). صلاحیت تکمیلی به معنای اولویت دادن به رسیدگی ملی و با رعایت قاعده منع تعقیب و مجازات مجدد^۲ است. براساس این قاعده هنگامی که مرتکب در کشور محل وقوع جرم تحت تعقیب جزایی و مجازات قرار گرفت، دیگر نباید در کشور متبوع خود تحت پیگرد و مجازات واقع شود، زیرا این فرد، دین خود را به جامعه

1. equivalence of blame

2. non bis in idem

پرداخته است. بازخواست مجدد وی به علت همان عمل نقض عدالت به شمار می‌آید (دندیو دووایر، ۱۳۷۳: ۸۷). شروط مذکور در شق «الف» و «ج» بند ۱ ماده ۵۱ اساسنامه مقرر می‌دارد، در مرحله تحقیقات مقدماتی و احراز اصول منطقی و معقول و شروع تحقیق اولیه براساس ادله ارائه شده احراز می‌شود. سپس استانداردهای لازم برای اثبات این اصول منطقی و معقول توسط شعب دیوان تفسیر خواهند شد (ICC, 2013: 34-35). دادستان برای احراز شروط مذکور در بند ۳ ماده ۱۵ طبق اختیارات و صلاحیت اعطایی در ماده ۵۳ اقدام می‌کند (ICC, 2002: 48). از همین رو باید مبنای معقولی برای احراز صلاحیت‌های زمانی، مکانی، شخصی و موضوعی دیوان در هر پرونده مطروحه، براساس ادله ارائه شده وجود داشته باشد (ICC, 2013: 36). به همین منظور شعبه دادگاه مقدماتی مبادرت به احراز صلاحیت خود طبق بند ۴ ماده ۱۵ اساسنامه می‌کند.

رویه قضایی دیوان کیفری بین‌المللی در گزینش اولیه پرونده‌های

ارجاعی

دیوان برای گزینش پرونده‌های ارجاعی، مبادرت به بررسی معیارهای اولیه مذکور در مواد اساسنامه می‌کند. این موارد عبارت‌اند از: «احراز صلاحیت، قابلیت پذیرش و استماع دعوا، منافع جامعه بین‌المللی و تحقق عدالت». به عبارت دیگر دیوان در گزینش و انتخاب پرونده‌های ارجاعی ابتدا به مبانی و قاعده‌های کلی احراز صلاحیت خود همچون معیارهای قانونی، بی‌طرفی، واقع‌گرایی و استقلال توجه می‌کند و در مراحل بعدی معیارهای اولیه و ثانویه مندرج در اسناد و رویه خود در جهت گزینش و انتخاب یک پرونده را مورد مذاقه قرار می‌دهد. چون ممکن است دیوان براساس صلاحیت گزینشی‌اش دارای صلاحیت رسیدگی نباشد، مثل آنکه کشور متبوع متهم در حال رسیدگی به آن جرم باشد یا آنکه با توجه به وجود مبانی صلاحیتی خودش به بررسی معیارهای اولیه بپردازد. در مواردی نیز دیوان براساس معیارهای اولیه صالح به رسیدگی است، اما براساس معیارهای ثانویه نتواند صلاحیت خود را برای رسیدگی به یک پرونده احراز کند.

۱. احراز صلاحیت

اولین معیار برای گزینش پرونده‌های ارجاعی به دیوان، بررسی معیارهای حاکم بر احراز صلاحیت دیوان است. در این خصوص بند ۱ ماده ۵۸ اساسنامه مقرر می‌دارد که دادستان در هر پرونده مبادرت به احراز ارتکاب جرمی می‌کند که در حیطه صلاحیت دیوان (مواد ۵ تا ۸

اساسنامه) قرار می‌گیرند. براساس ماده ۱۹ اساسنامه، هر پرونده باید توسط دولت عضو یا شورای امنیت به دیوان ارجاع شده باشد یا اینکه پس از درخواست دادستان، شعبه دادگاه مقدماتی باید اجازه رسیدگی به آن پرونده را داده باشد. سپس طبق بند ۳ ماده ۱۲ اساسنامه، اعمال صلاحیت دیوان علیه متهمان طبق اصول قلمرو و تابعیت نهادینه شده است. به عبارتی دیوان می‌تواند به جرائم ارتكابی توسط اتباع دولت‌های عضو یا جرائم ارتكابی در قلمرو آنها رسیدگی کند. البته پرونده‌های ارجاعی توسط شورای امنیت یا با صدور اعلامیه توسط دولت‌های غیرعضو بدون توجه به تابعیت یا ملیت متهم صورت می‌گیرد. شایان ذکر است احراز تابعیت مؤثر در موارد تابعیت مضاعف که در صلاحیت شخصی دیوان است، مانعی برای اعمال صلاحیت کیفری دیوان نخواهد بود. برای مثال اوکراین عضو اساسنامه دیوان نیست، اما با صدور دو اعلامیه، صلاحیت دیوان را برای سال‌های ۲۰۱۴ - ۲۰۱۳ و از سال ۲۰۱۴ به بعد و بدون تاریخ پایانی مورد پذیرش قرار داده است. فلسطین نیز ابتدا در سال ۲۰۱۵ اعلامیه‌ای را برای پذیرش صلاحیت موقت دیوان در خصوص «جرائم ارتكابی در سال ۲۰۱۴» صادر کرد و سپس در همان سال (۲۰۱۵) به عضویت اساسنامه دیوان درآمد. کلمبیا نیز در سال ۲۰۰۲ عضو اساسنامه دیوان شد که به مدت هفت سال جرائم جنگی را از صلاحیت دیوان استثنا ساخت. شورای امنیت نیز به موجب قطعنامه ۱۵۹۳ مصوب ۲۰۰۵ پرونده سودان را به اتهام نقض حقوق بشر و نیز حقوق بشردوستانه به دیوان ارجاع کرد. دیوان به موجب آن قطعنامه نسبت به جرائم ارتكابی از سال ۲۰۰۲ به بعد صلاحیت رسیدگی دارد. شورای امنیت به موجب قطعنامه ۱۹۷۰ مصوب ۲۰۱۱ پرونده لیبی را به اتهام جرائم علیه بشریت، نقض حقوق بشردوستانه و جرائم جنگی و نقض حقوق بشر به دیوان ارجاع داد. البته دیوان به موجب این قطعنامه نسبت به جرائم ارتكابی از ۲۰۱۱ به بعد صالح به رسیدگی است.

هنگامی که دفتر دیوان براساس صلاحیت مکانی اقدام می‌کند، می‌تواند همه جرائم ارتكابی در قلمرو هر دولت را مورد تحقیق قرار دهد؛ البته ارجاع پرونده به دیوان توسط شورای امنیت یا صدور اعلامیه توسط دولت غیرعضو بدون توجه به تابعیت یا ملیت متهم صورت می‌گیرد. دفتر می‌تواند در مواردی که صلاحیت انحصاری براساس تابعیت اعمال می‌شود، جرائم ارتكابی توسط تبعه دولت عضو یا دولتی را مورد تحقیق قرار دهد که اعمال صلاحیت دیوان را براساس بند ۳ ماده ۱۲ اساسنامه پذیرفته است، حتی اگر آن رفتار در قلمرو دولت غیرعضو اساسنامه اتفاق افتاده باشد. البته معیارهای صلاحیت گزینشی دیوان باید رعایت شود. شایان ذکر است در تابعیت مؤثر در موارد تابعیت مضاعف^۱ که مربوط به صلاحیت شخصی دیوان است، مانعی برای اعمال صلاحیت کیفری آن نمی‌باشد. در پرونده ساحل عاج دادستان علیه لورنت گباگبو، برای محافظت از شهودی که دارای تابعیت مضاعف بودند، مکانیزم‌ها و روش‌هایی توسط «واحد

1. dual national

شهود و قربانیان»^۱ اتخاذ شد (ICC, 2015: 4). از طرفی ارجاع یک وضعیت توسط شورای امنیت با استناد به فصل هفتم منشور سازمان ملل، دیوان را قادر می‌سازد تا بدون توجه به محدودیت‌های تابعیت یا محل وقوع جرم مذکور در ماده ۱۲ اساسنامه، صلاحیت خود را اعمال کند، اما نمی‌تواند از معیارهای احراز صلاحیت موضوعی و زمانی خود (مواد ۵ و ۱۱ اساسنامه) تخطی کند. به عبارتی همه موارد مذکور در اساسنامه از جمله تکمیلی بودن صلاحیت دیوان و مقررات مربوط به همکاری بین‌المللی هم باید توسط شورای امنیت در ارجاع هر پرونده به دیوان رعایت شود (ICC, 2016: 26-28).

۲. قابلیت پذیرش و استماع دعوی

دیوان طبق ماده ۱۹ اساسنامه، صلاحیت خود و قابلیت استماع دعوی ارجاعی را رأساً احراز خواهد کرد (صلاحیت در تعیین صلاحیت). در موارد ارجاع پرونده توسط شورای امنیت هم طبق ماده ۵۳ اساسنامه، دادستان ملزم به شروع تحقیقات نیست و با توجه به «اقتضای عدالت» و در صورت وجود ادله کافی برای تعقیب متهم به دلیل ارتکاب جرم در حیطه صلاحیت دیوان (ماده ۵ اساسنامه) تصمیم می‌گیرد. در این موارد هم شورای امنیت نمی‌تواند هیچ دخالتی کند، مگر اینکه دولت‌های ذی‌ربط (متهم و قربانی جرم) از همکاری با دیوان امتناع کنند. در این صورت شورای امنیت می‌تواند این عدم همکاری را از موجبات تهدیدکننده صلح احراز کند (ماده ۳۹ منشور). البته تنها موردی که شورای امنیت می‌تواند در نحوه عملکرد دیوان اختلال ایجاد کند، مربوط به معلق کردن تحقیقات و رسیدگی‌های شروع‌شده در دیوان است که معمولاً با استناد به تهدید صلح (ماده ۳۹ منشور) صورت می‌گیرد. دیوان در این موارد طبق ماده ۱۶ اساسنامه برای یک دوره زمانی ۱۲ ماهه با امکان تمدید، رسیدگی به آن پرونده را به تأخیر می‌اندازد (زمانی، ۱۳۸۳: ۸۷). البته حق وتوی اعضای دائم شورای امنیت می‌تواند مانع این دخالت شود. مجمع عمومی هم می‌تواند با جلب افکار عمومی در تصمیم‌گیری شورای امنیت و اختلال در نحوه عملکرد دیوان نقش داشته باشد (براتی، ۱۳۸۲: ۱۵). بدین ترتیب می‌توان گفت که قابلیت پذیرش و استماع دعوا پس از طی مراحل مذکور توسط اختیار اعطایی به دادستان طبق شق «ب» بند ۱ ماده ۵۳ و با احراز شروط مذکور در ماده ۱۷ اساسنامه صورت می‌گیرد (ICC, 2013: 43). ماده ۱۷ اساسنامه درباره صلاحیت تکمیلی و شدت ارتکاب جرم است که باید امکان رسیدگی مؤثر هم به آنها اضافه شود تا جدی‌ترین جرائم و مسئول‌ترین افراد محاکمه شوند، زیرا چون دیوان در صورتی می‌تواند شروع به رسیدگی کند که طبق ماده ۱۷ اساسنامه احراز کند که دولت‌های ذی‌صلاح (دولت محل وقوع جرم و دولت

1. (VWU)Victims and Witnesses Unit

متبوع متهم) تمایلی به احراز صلاحیت خودشان نداشته باشند یا از این امر ناتوان باشند. البته دیوان طبق بند ۱۰ ماده ۹۳ اساسنامه می‌تواند در این موارد به دولت‌های عضو مشاوره بدهد (شریعت باقری، ۱۳۸۶: ۱۴۹). دیوان در خصوص احراز شدت جرم ارتكابی می‌تواند با ایجاد ممنوعیت حقوقی بیش‌ازحد، مانع تفسیر موسعی گردد که بازدارندگی دیوان^۱ را خدشه‌دار می‌کند (ICC, 2016: 30-32). عواملی که در احراز شدت جرم مدنظر دیوان قرار می‌گیرند، شامل ملاحظات کیفی و کمی مرتبط با «میزان، ماهیت، شیوه ارتكاب و تأثیر جرائم» می‌شوند (ICC, 2009: 29(2)).

۳. منافع جامعه بین‌المللی و عدالت محوری

تحقق عدالت کیفری بین‌المللی در جامعه بین‌المللی مستلزم استقلال نهاد قضایی مسئول تحقق عدالت کیفری است تا فارغ از نفوذ سیاسی و قدرت اجرایی حاکم بتواند اقدام کند. از طرفی اجرای عدالت باید به صورت مستمر و دائمی صورت بگیرد. اما در طول تاریخ بارها عدالت کیفری دستاویزی برای اعمال زور فاتحان جنگ‌ها و زورمداران جامعه بین‌المللی بوده است و صلحی طبق منافع خودشان (با استفاده از حق وتو) در جامعه بین‌المللی پیاده کرده‌اند. از طرفی منشور صرفاً در پی تحقق صلح است و سازوکاری برای اعمال عدالت کیفری ندارد. تعقیب، محاکمه و مجازات مجرمان بین‌المللی و شکل‌گیری نظم عمومی و برقراری صلح و امنیت واقعی در جامعه جهانی اثر مهمی در تحقق عدالت کیفری دارد، چه بسا تحقق عدالت منوط به مجازات افرادی باشد که از امتیاز حق وتو برخوردارند. از طرفی اختیاراتی که طبق اساسنامه دیوان به شورای امنیت واگذار شده، یعنی «ارجاع پرونده، تسهیل همکاری بین‌المللی و معاضدت قضایی بین دولت‌ها و دیوان، تعلیق تحقیق و تعقیب و تشخیص عمل تجاوز» موجبات خدشه‌دار کردن استقلال دیوان را فراهم می‌کند و مانع تحقق عدالت می‌شود. در این زمینه می‌توان به قطعنامه ۱۴۲۲ شورای امنیت در سال ۲۰۰۲ اشاره کرد که موجبات مصونیت صلح‌بانان سازمان ملل از صلاحیت دیوان را فراهم کرد (براتی، ۱۳۸۲: ۱۵۵). آزاد بودن مجرم و ادامه زندگی عادی علی‌رغم ایجاد اختلال در جامعه مغایر با اصل عدالت است (مؤمنی، ۱۳۹۴: ۲۵۸).

به‌طور کلی منافع و عدالت در اغلب موارد مرتبط با بررسی غیرحقوقی و حواشی یک پرونده حقوقی است که در انتخاب پرونده ارجاعی به دیوان نقش اساسی دارد. دیوان برای تحقق عدالت باید حفظ منافع قربانیان جرائم بین‌المللی و محافظت از آنها را در اولویت قرار دهد. این امر طبق بند ۱ ماده ۶۸ اساسنامه دیوان مشمول صلاحیت‌گزینی آن می‌گردد (ICC, 2016: 33). سپس بند ۱ ماده ۱۷ اساسنامه مقرر می‌دارد که پرونده‌های مطروحه باید با توجه به

1. deterrent role

قابلیت استماع آنها ارزیابی و گزینش شوند. شعبه تجدیدنظر دیوان در این خصوص بیان داشت که در ایجاد مانع قانونی و هر گونه محدودیتی باید از تفسیر موسع احتراز گردد تا نقش بازدارندگی دیوان خدشه‌دار نشود (ICC, 2013: 59). شدت جرم ارتكابی به «تعداد قربانیان مستقیم و غیرمستقیم جرم ارتكابی، وسعت خسارات وارده بالأخص (آسیب‌های بدنی و روانی) به قربانیان و خانواده آنها، گستره زمانی یا جغرافیایی جرم ارتكابی» بستگی دارد. ماهیت هر جرم شامل عناصر خاص آن نظیر «قتل، تجاوز به عنف، جرائم علیه اطفال، شکنجه، تحمیل شرایط سخت زندگی به یک گروه با هدف نابودی، ابزارهای مورد استفاده در ارتكاب جرم، میزان دخالت در جرم ارتكابی، قصد مجرم، سازمان یافته بودن یا طراحی قبلی آن، سوءاستفاده از قدرت یا جایگاه اداری» مجرم می‌شود. عناصر خاصی که در انتخاب و گزینش هر پرونده می‌تواند مؤثر باشند عبارت‌اند از: «آسیب‌پذیری قربانی، انگیزه ارتكاب جرم از جمله تبعیض، نوع جرم ارتكابی (ارتكاب تجاوز به عنف) یا خشونت در جهت از بین بردن یک گروه (نسل‌زدایی) است» (ICC, 2013: 62-63). رنج‌های قربانیان، افزایش آسیب‌پذیری آن‌ها، ترس ناشی از جرم ارتكابی یا خسارات زیست‌محیطی ناشی از جرم ارتكابی، خسارات اقتصادی و اجتماعی تحمیلی به جوامع بیانگر اثرات هر جرم بین‌المللی است (ICC, 2013: 65). همه این استانداردها و ضوابط عینی مذکور در اساسنامه دیوان نه تنها مانع اتخاذ تصمیمات خودسرانه توسط دیوان و استبداد قضایی آن می‌شود، بلکه تحقق عدالت کیفری را تسهیل می‌کند. البته نقش همکاری شورای امنیت و سایر دولت‌های درگیر (دولت‌های متبوع مجرم و مجنی‌علیه و دولت محل وقوع جرم) در تهیه ادله و تأمین بودجه لازم برای انجام تحقیقات دیوان و در نهادینه شدن عدالت کیفری بین‌المللی انکارناپذیر است.

معیارهای ثانویه انتخاب پرونده‌های ارجاعی

معیارهای ثانویه‌ای که توسط دادستان برای گزینش پرونده‌های مطروحه و تحقق عدالت کیفری اعمال می‌شوند عبارت‌اند از: شدت جرم ارتكابی، میزان مسئولیت متهمان و اتهامات وارده.

۱. شدت جرائم

این معیار براساس میزان مسئولیت متهمان و نوع اتهامات مورد ارزیابی کمی و کیفی قرار می‌گیرد (ICC, 2016: 37). دفتر دیوان طبق طرح استراتژیک ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵، ابتدا جرائم و اتهاماتی را که باید مورد تحقیق قرار گیرند تعیین و متهم را براساس ادله موجود، شناسایی می‌کند. به عبارتی دفتر دیوان باید در خصوص اتهامات مشابه نیز مبادرت به گزینش و اولویت‌بندی پرونده‌ها کند که این امر بیانگر نوعی تبعیض و به‌کارگیری معیارهای چندگانه

است. از همین رو، دادستان وقتی درخواست بازداشت موقت یا احضاریه‌ای را می‌دهد که آن پرونده اولاً قابل استماع باشد و ثانیاً شاهدان یا قربانی پس از بازداشت متهم مایل به همکاری و ادای شهادت باشند. بدین ترتیب دفتر دادستانی در صورتی می‌تواند به کار خود در رسیدگی به یک پرونده ادامه دهد که این موارد محقق شده باشند: الف) درخواست کتبی صورت گرفته باشد؛ ب) ادله کافی وجود داشته باشد؛ ج) بتوان در بازه زمانی معقول ادله و مدارک بیشتری را جمع‌آوری کرد؛ د) زمینه‌های معقول و متعارفی^۱ برای انتساب اتهام به متهم وجود داشته باشد. برای مثال در وضعیت دارفور سودان در پرونده عمرالبشیر، دیوان بیان می‌کند که زمینه‌های معقولی برای انتساب جرائم در صلاحیت دیوان به او وجود دارد و به همین دلیل، دستور بازداشت او صادر می‌شود. ولی به دلیل آنکه متهم فراری است و دیوان رسیدگی غیابی ندارد، پرونده در شعبه دادگاه مقدماتی باقی خواهد ماند (ICC, The Prosecutor v. Al Bashir). از این رو ابتدا تعداد محدودی از متهمان سطح بالا و متوسط را مورد تحقیق و تعقیب قرار می‌دهد تا در نهایت چشم‌انداز معقولی برای امکان محاکمه و مجازات افراد دارای مسئولیت بیشتر فراهم شود. در این خصوص دفتر دادستانی همواره بر گستره وسیعی از جرائم متمرکز می‌شود تا بتواند سازمان‌ها، ساختارها و افراد مسئول را شناسایی کند. با توجه به اینکه دیوان نمی‌تواند توقعات همه قربانیان را پاسخ دهد، در گزینش قربانیان و رسیدگی به پرونده آن‌ها به برخی نکات توجه ویژه دارد که عبارت‌اند از: الف) دیدگاه‌ها و نظرهای آنها؛ ب) مکاتبات و روابط با جوامع مؤثر در نقش دیوان و تصمیمات دفتر آن؛ ج) اطمینان و تضمین حفاظت و مراقبت از آنها در زمان ادای شهادت و همکاری با دیوان (ICC, 2015:34-35). برای مثال، شعبه بدوی دیوان یوگسلاوی در پرونده جلیسیک بیان داشت، اظهارات وی درباره عدم رعایت اصل انصاف برای رسیدگی به جرائم متهمان دون پایه، مسموم نیست (کریانگ ساک، ۱۳۸۳: ۵۱۳). شایان ذکر است که دفتر دیوان موارد تحقیق و تعقیب جرائم ارتكابی علیه کودکان را اولویت‌بندی کرده و سند سیاست جامع برای کودکان را تهیه نموده است (ICC, 2016-2018: 39). از طرفی بند ۲ ماده ۲۹ مقررات دفتر دیوان، تصریح می‌کند، عوامل مؤثر در ارزیابی هر پرونده شامل «میزان، ماهیت و شیوه ارتکاب و تأثیر جرم ارتكابی» می‌گردد (ICC, 2009: 29(2)). سپس تعداد قربانیان، وسعت خسارت و صدمات جسمی و روانی وارده به قربانیان و خانواده آن‌ها، گستره زمانی و مکانی جرم ارتكابی مبنای گزینش هر پرونده قرار می‌گیرند. در آخر شدت جرم ارتكابی، نوع جرم نظیر قتل، زنا به عنف، جرائم علیه کودکان و تحمیل شرایط سخت با هدف نابودی یک گروه خاص، شیوه ارتكاب جرم، سازمان‌یافته بودن آن، سوءاستفاده از قدرت، وسعت خسارات زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی جرم ارتكابی از نظر بهره‌برداری و تصرف غیرقانونی منابع طبیعی، مبنای گزینش پرونده‌ها خواهند بود (ICC, 2016: 38-41).

1. reasonable grounds

۲. میزان مسئولیت متهمان

دفتر دادستانی همواره درصدد تعقیب افراد دارای بیشترین مسئولیت است (ICC, 2016: 43). وسعت مسئولیت هر متهم براساس ماهیت رفتار غیرقانونی ارتكابی ارزیابی می‌شود و میزان دخالت، قصد و انگیزه متهم از جمله «تبعیض و هر گونه سوءاستفاده از قدرت یا مقام رسمی متهم» بررسی می‌شوند. خسارات وارده بالأخص میزان صدمات وارده به قربانیان و خانواده آن‌ها، ماهیت رفتار غیرقانونی، ابزار و وسایل به کار برده شده در ارتكاب جرم، میزان مشارکت متهم، قصد، شیوه ارتكاب جرم، زمان و مکان آن، سن و شرایط اقتصادی و اجتماعی متهم نیز مدنظر قرار خواهند گرفت (ICC, 2002: 145(1)(c)).

شرایط مشخصه که در احراز صلاحیت دیوان مدنظر قرار می‌گیرند، عبارت‌اند از: الف) هرگونه محکومیت کیفری قبلی تحت صلاحیت دیوان یا دارای ماهیت مشابه؛ ب) سوءاستفاده از قدرت و مقام رسمی؛ ج) ارتكاب جرم علیه قربانیان بی‌دفاع یا افراد غیرنظامی مورد حمایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی نظیر زنان، کودکان و افراد سالمند؛ د) ارتكاب جرم همراه با خشونت خاص یا قربانیان متعدد؛ ه) انگیزه‌های عمدی و تبعیض‌آمیز در ارتكاب جرم (ICC, 2002: 145(2)(b)). احراز مسئولیت کیفری یک فرمانده نظامی و سایر افراد مشابه وی منوط به احراز این موارد است: الف) ارتكاب جرائم مذکور در ماده ۵ اساسنامه دیوان و اینکه جرم توسط نیروهای تحت امر و کنترل مؤثر یا تحت اختیار و تسلط او ارتكاب یافته باشد؛ ب) جرائم ارتكابی ناشی از کوتاهی او در اعمال کنترل صحیح بر این نیروها باشد، البته به شرطی که فرد متهم می‌دانسته یا باید می‌دانسته که این نیروها در حال ارتكاب جرم هستند یا قصد ارتكاب آن جرم را دارند و در اتخاذ همه اقدامات لازم و معقول برای جلوگیری از ارتكاب آن جرم یا ارجاع پرونده به مراجع ذیصلاح برای رسیدگی قضایی کوتاهی کرده باشد. این قواعد در خصوص هر نوع مقام مافوق^۱ و مقام زیردست (subordinates) اعمال می‌شود (ماده ۲۸ اساسنامه). این ماده مسئولیت کیفری فرماندهان را ناشی از قدرت کنترل آن‌ها بر زیردستانشان می‌داند (ICC, 2016: 172). (The Prosecutor v. Jean-Pierre Bemba, 2016: 172).

۳. اتهامات

دفتر دیوان همواره توجه خاصی به جرائمی نظیر «جرائم علیه اطفال، تجاوز به عنف، حمله به اماکن فرهنگی، مذهبی و تاریخی و پرسنل نیروهای حافظ صلح» دارد که به‌طور سنتی تحت تعقیب قرار می‌گیرند. در این راستا با تأکید بر شدت جرم ارتكابی خواستار رفع هرگونه مصونیت کیفری متهم یا متهمان و ضرورت پیشگیری از این جرائم شده است (ICC, 2016: 172).

1. superior

46). مقررات مختلف اساسنامه دیوان (قواعد آیین دادرسی و ادله و عناصر جرائم) بر اهمیت تحقیق و تعقیب مؤثر بر جرائم ارتكابی علیه کودکان یا جرائم تأثیرگذار بر آنها و محافظت از حقوق و منافع آنها تأکید دارد. این موارد شامل جرائم خاص علیه کودکان مثل جرائم جنگی مرتبط با استخدام^۱ یا به‌کارگیری اجباری^۲ و بهره‌گیری از اطفال زیر پانزده سال برای شرکت فعال در مخاصمات و نیز جرائمی می‌گردد که کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چون این جرائم همانند جرم جنگی ناشی از حمله به ساختمان‌های آموزشی و درمانی‌اند (ICC, Policy on Children, 2016: 2). البته گاهی اطفال، مرتکب اصلی جرائم بین‌المللی هستند که باید مقررات تحقیق و رسیدگی خاصی برای آنها تعیین شود. در سیرالئون، کودکان ربوده و مجبور به ترور و قطع اعضای بدن غیرنظامیان می‌شدند. در رواندا کودکان مستقیماً مرتکب قتل و نسل‌زدایی شدند که اغلب از خانواده‌های فقیر بودند (UNICEF, 2002: 33-34). استخدام کودکان در جنگ همچنان موضوعی شایع و از جدیدترین موضوعاتی است که وارد ادبیات جرائم جنگی در حقوق بین‌الملل کیفری شده است. البته دادگاه ویژه سیرالئون و دیوان در توسعه این جرم جدید با چالش‌هایی روبه‌رو شده‌اند (McBride, 2014).

شایان ذکر است که فقدان توجه حقوقی از جنبه حقوق بین‌الملل کیفری به نقض حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی توجیه‌ناپذیر است. چنین رفتاری در صورت وجود سه مؤلفه می‌تواند همچون جرائم جنگی به‌شمار آید: الف) تعریف دقیق این نقض‌ها؛ ب) حاکمیت قواعد حقوق بشر در مخاصمات مسلحانه؛ ج) تبیین دقیق روابط قواعد حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری (Schmid, 2011: 525-526).

نتیجه‌گیری

دیوان بین‌المللی کیفری برای رسیدگی به پرونده‌های کیفری بین‌المللی با محدودیت‌های زیاد از جمله تکمیلی بودن صلاحیت آن، کمبود منابع مالی و انسانی روبه‌روست. به همین سبب مجبور به اولویت‌بندی و گزینش از بین پرونده‌های ارجاعی است که توسط دادستان دیوان براساس اصول استقلال، بی‌طرفی، واقعیت‌های هر پرونده، معیارهای قانونی (از جمله صلاحیت تکمیلی و اولویت رسیدگی ملی) و بدون پیش‌داوری انجام می‌گیرد که به‌عنوان مبانی صلاحیت آن به‌شمار می‌روند. دیوان در گام اول به بررسی این موارد می‌پردازد. و سپس در گام بعدی معیارهای اولیه و ثانویه خود را مورد توجه قرار می‌دهد. اولویت‌بندی پرونده از شق «ب» بند ۱ ماده ۵۴ اساسنامه استنباط می‌شود که دفتر

1. enlistment
2. conscription

اقدامات مناسب را برای تضمین تحقیقات قضایی و تعقیب مؤثر جرائم اتخاذ می‌کند و برای انجام چنین اقدامی، منافع و اوضاع و احوال قربانیان و شهود از جمله سن و جنسیت مذکور در بند ۳ ماده ۷ اساسنامه و سلامتی آنها، ماهیت جرائم به خصوص در جرائم جنسی و جرائم جنسیتی و خشونت علیه کودکان را مدنظر قرار می‌دهد. برای اولویت‌بندی پرونده‌ها، دفتر معیارهای اولویت‌بندی زیر را مورد توجه قرار می‌دهد:

الف) ارزیابی مقایسه‌ای از میان پرونده‌های انتخابی براساس عوامل مشابه که هدایتگر انتخاب پرونده است؛ ب) اینکه آیا یک شخص یا اعضای یک گروه سابقاً به وسیله دفتر یا یک دولت برای جرائم جدی دیگری مورد تحقیق یا تعقیب قرار گرفته‌اند یا خیر؛ ج) تأثیر تحقیقات و تعقیبات بر قربانیان جرائم و جوامع متأثر از آن؛ د) تأثیر تحقیقات و تعقیبات بر جنایات یا تشکیلات آنها در جهت پیشگیری و ممانعت از ارتکاب این جرائم در آینده؛ ه) تأثیر و توانایی دفتر در پیگیری موفق و مؤثر پرونده‌ها با چشم‌انداز معقول محکومیت؛ و) کیفیت و کمیت مدارک مجرمیت و تبرئه در دسترس دفتر مانند دسترسی به مدارک اضافی و خطرهای تخریب آنها؛ ز) همکاری بین‌المللی و کمک‌های قضایی برای حمایت از فعالیت‌های دفتر؛ ح) ظرفیت دفتر برای انجام مؤثر تحقیقات ضروری در دوره زمانی متعارف و معقول شامل وضعیت امنیتی در منطقه‌ای که دفتر در حال انجام عملیات است یا جایی که افراد در کنار دفتر همکاری می‌کنند و توانایی دیوان در محافظت از افراد در خطر که ممکن است به دلیل همکاری آنها با دفتر برایشان به وجود آمده باشد.

معیارهای عملیاتی و راهبردی اولویت‌بندی پرونده مذکور به صورت دستوره‌های سلسله‌مراتبی از بالا به پایین اعمال نمی‌شوند. ارزش خاص معیارهای مذکور به اوضاع و احوال هر پرونده بستگی دارد.

گزینش و اولویت‌بندی در رسیدگی به جرائم بین‌المللی، بعد از بررسی مبانی صلاحیت (احراز صلاحیت موضوعی، زمانی، مکانی و شخصی دیوان)، با در نظر گرفتن عدالت‌محوری و قابلیت استماع و پذیرش دعوا و منافع جامعه بین‌المللی به عنوان معیارهای اولیه انتخاب پرونده‌های ارجاعی انجام می‌پذیرد. سپس معیارهای ثانویه گزینش از جمله شدت جرائم ارتكابی، میزان مسئولیت مرتکبان و ماهیت اتهامات مدنظر قرار می‌گیرد که شامل میزان ماهیت و شیوه ارتکاب و تأثیر جرم ارتكابی و تعداد قربانیان، وسعت خسارت و صدمات جسمی و روانی وارده به قربانیان و خانواده آنها، گستره زمانی و مکانی جرم ارتكابی، شدت جرم ارتكابی و نوع جرم ارتكابی مانند قتل، زنا به عنف، جرائم علیه کودکان و تحمیل شرایط سخت با هدف نابودی یک گروه خاص می‌شود. نکته بعدی که مورد توجه و ارزیابی قرار می‌گیرد مربوط به شیوه و ابزار ارتکاب جرم، سازمان‌یافته بودن آن، سوءاستفاده از قدرت، وسعت خسارات زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی جرم ارتكابی از نظر بهره‌برداری و تصرف غیرقانونی منابع طبیعی و حمله به اماکن فرهنگی و تاریخی است.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. حسینی‌نژاد، حسینقلی (۱۳۷۳). *حقوق کیفری بین‌الملل*، چ اول، تهران: میزان.
۲. دووابر، دندیو (۱۳۷۳). *حقوق جزایی و قانونگذاری جزایی*، چ اول، تهران: میزان.
۳. شریعت باقری، محمدجواد (۱۳۸۶). *اسناد دیوان کیفری بین‌المللی*، تهران: جنگل.
۴. کوشا، سهیلا (۱۳۹۳). *قواعد حاکم بر نحوه عملکرد دیوان بین‌المللی دادگستری*، تهران: جنگل.
۵. کیتی شیایزری، کریانگ ساک (۱۳۸۳). *حقوق بین‌المللی کیفری*، ترجمه بهنام یوسفیان، چ اول، تهران: سمت.
۶. مؤمنی، مهدی (۱۳۹۴). *مبانی حقوق جزای بین‌الملل ایران*، چ یازدهم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی نشر دانش.
۷. محسنی، مرتضی (۱۳۹۲). *کلیات حقوق جزای عمومی*، ج ۱، تهران: دانشگاه ملی.

ب) مقالات

۸. براتی، شهرام (۱۳۸۲). «صلاحیت شورای امنیت در ارتباط با دیوان کیفری بین‌المللی»، *مجله پژوهشی حقوق و سیاست*، مقاله ۵، ش ۹.
۹. حسینی اکبرنژاد، هاله (۱۳۸۸). «صلاحیت تکمیلی دیوان بین‌المللی کیفری: پویایی نظام‌های قضایی ملی در مقابله با بی‌کیفری»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، سال بیست‌وششم، ش ۴۱.
۱۰. زمانی، سید قاسم (۱۳۸۲). «استقرار دیوان کیفری بین‌المللی، بیم‌ها و امیدها»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، ش ۲.
۱۱. میلانی علیرضا (۱۳۹۵). «صلاحیت دیوان کیفری بین‌الملل»، *فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی*، دوره ۲، ش ۱.

۲. انگلیسی

A) Books

12. Akhavan, Payam, (2001). *beyond impunity: can International Criminal Justice prevent future atrocities?*, AJIL, vol.95.
13. Condorelli, CF luigi and Villalpaudo, Sautiago, (2002). *can the Security Council expands the ICC" s jurisdiction?*, in: Antonio Cassesse, Pala Caeta and John

R.W.D.Jones,” the Rome statute of the International Criminal Court: a commentary”, vol.1, oxford.

14. *International Criminal Court, Policy on Children*, 2016.
15. Saunds, Philippe, (2001). *and tortures: the transformation of international law*, No.3, N.Y.U.J. of Int’L. X POL, VOL.33.
16. *UNICEF, International Criminal Justice and Children, UNICEF Innocent Research Centre*, 2002.

B) Articles

17. Badagard, L0visa & Klamberg, Mark, (2017). “The Gatekeeper of the ICC: Prosecutorial Strategies for Selecting Situations and Cases at The International Criminal Court”, *GEORGETOWN Journal of International Law*.
18. McBride, Julie, (2014). “The War Crime of Child Soldier Recruitment”, Asser Press, *The Hague, The Netherlands*, (www.asserpress.nl)
19. Schmid, Evelyne, (2011). “War Crimes Related to Violations of Economic, Social and Cultural Rights”, *Max-Planck-Institute for ausländisches öffentliches Recht und Völkerrecht*, (<http://www.zaoerv.de>).
20. Rosenne, Shabtai, (1991). “Documents on the International Court of Justice”, *first Bilingual edition*, Martinus Nijhoff Publication, London

C) Cases

21. “Decision on the Prosecutor’s request for authorization of an investigation”, Situation in Georgia, ICC-01/15-12, 27 January 2016
22. "Judgment on the Prosecutor's appeal against the decision of Pre-Trial Chamber I entitled 'Decision on the Prosecutor's Application for Warrants of Arrest, Article 58', Situation in the Democratic Republic of the Congo, ICC-01/04-169, 13 July 2006
23. The Prosecutor v. Omar Hassan Ahmad Al Bashir, Situation in Darfur, Sudan, ICC-02/05-01/09 (<https://www.icc-cpi.int/defendants?k=At%20large>)
24. The Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo, Decision on the Prosecutor’s Application For Warrant of Arrest, Situation in the Democratic Republic of the Congo, ICC- 01/04-01/06
25. The Prosecutor v. Laurent Gbagbo, Situation in the Republic of CÔTE D’IVOIRE, ICC-02/11-01/11, 27 February 2015
26. The Prosecutor v. Omar Hassan Ahmad Al Bashir, Situation in Darfur, Sudan, (ICC-02/05-01/09. (<https://www.icc-cpi.int/darfur/albashir>))
27. The Prosecutor v. Omar Hassan Ahmad Al Bashir, Alleged crimes (non-exhaustive list, Situation in Darfur, Sudan,ICC.(<https://www.icc-cpi.int/darfur/albashir/pages/alleged-crimes.aspx>)
28. The Prosecutor v. Jean-Pierre Bemba, “Judgment pursuant to Article 74 of the Statute”, Situation of Central African Republic, ICC-01/05-01/08-3343, 21 March 2016. (https://www.icc-cpi.int/CourtRecords/CR2016_02238.PDF)

D) Documents

29. Code of Conduct for the Office of the Prosecutor, 5 September 2013 (OTP2013/024322), Chapter 2, Section 2: Independence.
30. The Elements of Crimes of the International Criminal Court, 2002.
31. Paper on some policy issues before the Office of the Prosecutor, Principles and goals, The complementary nature of the International Criminal Court, ICC-OTP, September 2003.
32. Policy Paper On Case Selection And Prioritisation , ICC-OTP, 15 September 2016.
33. Policy Paper on Preliminary Examinations, ICC-OTP, November 2013.
34. Policy Paper on the Interests of Justice, ICC-OTP, 2007.
35. Policy Paper on Sexual and Gender-Based Crimes, ICC-OTP, June 2014.
36. Paper on some policy issues before the Office of the Prosecutor, ICC-OTP, September 2003.
37. Rules of Procedure and Evidence of the International Criminal Court, 2002.
38. Rome Statute of the International Criminal Court, 1998, Article 28, Responsibility of commanders and other superiors.
39. Rules of Procedure and Evidence, ICC, 2002.
40. Strategic Plan, 2016-2018, ICC-OTP, 16 November 2015.
41. Strengthening the International Criminal Court and the Assembly of States Parties”, Adopted at the 12th plenary meeting, on 26 November 2015, ICC-ASP/14/Res.4.
42. The Regulations of the Office of the Prosecutor, ICC-OTP ,2009.
43. United Nations, Security Council, Resolution 1593, 2005 (S/RES/1593 (2005))
44. United Nations, Security Council, Resolution 1970, 2011 (S/RES/1970 (2011))
45. United Nations, Security Council, Resolution 1142, 1997 (S/RES/1142 (1997))
46. United Nations, Security Council, Resolution 1422, 2002 (S/RES/1422 (2002))

E. Websites

47. <https://www.icc-cpi.int>
48. <https://www.un.org>
49. <https://www.legal-tools.org>
50. <http://www.zaoerv.de/>
51. www.asserpress.nl